

سرنوشت نهائی انتخابات ریاست جمهوری
دوره نهم، اینجا مشخص می شود، نه در
شمارش آراء. بنی صدر هم 11 میلیون رای آورد.

مانیفست احمدی نژاد را در میلیون ها نسخه منتشر کنید

نباید فرصت داد، این وعده‌ها پشت حادته سازی ها
ناپدید شود. اگر مردم رای داده اند، به این حرف ها
رای داده اند. بفرمائید اجرا کنید. اولین مقام مسئول فاجعه‌ای
که احمدی نژاد برای مردم ترسیم کرد، شخص رهبر است.

انتخابات دو مرحله‌ای و بسیار بغرنج ریاست جمهوری در ایران، سرانجام پایان یافته اعلام
گردید و احمدی نژاد شهردار تهران به عنوان منتخب نهمین دوره ریاست جمهوری در ایران
معرفی شد.

به این ترتیب، با پایان 8 سال ریاست جمهوری محمد خاتمی و گام‌های بلند و کوتاه اصلاحی،
که عمدتاً روی تغییر ساختار سیاسی نظام متمرکز بود، سکان قوه مجریه بدست کسانی افتاد
که يك فراکسیون 80 تا 100 نفره نیز در مجلس دارند. فراکسیون فرماندهان لباس شخصی
شده سپاه پاسداران و ماموران امنیتی سپاه که برخی متهم به عملیات تروریستی نیز هستند.
این خیز، بلافاصله پس از انتخابات دوم خرداد 76 با محاکمه شهردار تهران "کرباسچی"،
بازداشت و شکنجه شهرداری که جریشان حمایت از خاتمی بود، قتل‌های زنجیره‌ای،
سخنرانی فرمانده سپاه در قم (قلم می شکنیم، زبان می بریم)، توقیف روزنامه ها، محاکمه
آیت الله خوئینی ها در دادگاه روحانیت، حمله به خوابگاه دانشجویان، متلاشی کردن تحکیم
وحدت، زندانی کردن ملی- مذهبی ها، زندانی کردن رئیس شورای شهر تهران و نماینده آیت
الله خمینی در سپاه پاسداران "عبدالله نوری"، ترور نایب رئیس همین شورا در روز روشن و
در برابر چشم همگان "سعید حجاریان"، به زندان بردن مثنی جوان و دانشجو و انداختن آن
ها در سلول زندانیان جنایتکار، فلج سازی مجلس ششم، برپائی مجلس فرمایشی هفتم و
سرانجام، دو مرحله پر تقلب و تهدید نظامی انتخابات برداشته شد و به اینجا رسید که اکنون
همه شاهدیم.

بنابراین، انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، نه فقط پایان دو دوره ریاست جمهوری
محمد خاتمی، بلکه نتیجه هشت سال تدارک خونین و پرتنش و آغاز مرحله جدیدی نیز بود.
نیروئی که در ابتدا با نام لباس شخصی ها در برابر اصلاحات بسیج کرده بودند، سرانجام به
يك حزب 300 هزار نفره نیمه مسلح با حقوق ماهانه 150 هزار تومانی تبدیل شد و سکان
برگزاری و نظارت انتخاباتی را بدست گرفت که بی شك نه تنها در تاریخ جمهوری اسلامی،
بلکه در تاریخ پارلمانی ایران کم نظیر بود.

ویژگی فاصله يك هفته‌ای دو مرحله انتخابات، از نظر ما مهم تر از نتیجه آن، چه در مرحله
نخست و چه در مرحله دوم است. در واقع این ویژگی سرنوشت دولت احمدی نژاد و
انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری را رقم می زند، نه میزان آراء داده شده و یا جعل
شده، به زور گرفته شده و یا تقلب شده.

این ویژگی چیزی نیست، مگر همان وعده هائی که احمدی نژاد در تلویزیون به مردم فقیر و
غارت شده داد و آراء خود را از 4 میلیون به چهار برابر رساند. حتی اگر 4 میلیون آن را
هم فریب و تقلب و زور بدانیم، سه برابر آن برای همین حرف هائی بود که او زد و قول
هائی بود که داد.

این سخنان فقط صوت تلویزیونی نبوده، بصورت مکتوب روی سایت انتخاباتی رسمی احمدی نژاد هم بوده و همچنان هست و صدها هزار ایرانی آن را دیده اند و یا بصورت مکتوب بین مردم توزیع شده است.

به آقای احمدی نژاد باید گفت: این گوی و این هم میدان!

می توانید حساب خود را از حساب بیت رهبری و شخص رهبر که 8 سال در سمت رئیس جمهور و 15 سال بعنوان رهبر غیر پاسخگو به مردم که نبض همه امور در اختیارش بوده، جدا کرده و فکری به حال این فقر و غارت و بیکاری عمومی کنید، که شخص ایشان مسئول مستقیم آنست؟

حساب خود را می توانید از حامیان انتخاباتی خود، یعنی کمیته امداد، مؤتلفه اسلامی، بنیادهای عظیم مالی و سرمایه داری تجاری غارتگر جدا کنید؟
اگر مطابق وعده انتخاباتی خود قصد دفاع از آزادیها را- در همان حد که وعده داده اید- دارید، حساب خود و دولت خویش را از امثال شریعتمداری تواب ساز، بازجوها و شکنجه گران، حمله کنندگان به خوابگاه دانشجویان و... جدا خواهید کرد؟
ما چکیده حرف های احمدی نژاد را در فاصله دو مرحله انتخابات ریاست جمهوری، بعنوان يك سند فراموش نشدنی می آوریم و به سهم خود آنقدر آن را پیگیری خواهیم کرد تا حتی با حادثه سازی های ماجراجویانه هم نتوان آن را بایگانی کرد. سخنانی نظیر اینکه:

- کسانی که با چفیه می آیند در خیابان ها و حمله می کنند از من نیستند و از شان شکایت کرده ام.

- این وزارت کشوری های گذشته بودند که موتور سوار با چاقو توی خیابان می ریختند.

- مطبوعات از من انتقاد کردند، من تشکر کردم.

- آزادی روح انقلاب است. ما هم طرفدار این هستیم.

از روی سایت انتخاباتی احمدی نژاد بخوانید و دقیقاً بخاطر بسپاریم:

* ظاهراً من وارد محدوده ممنوعه قدرت شده‌ام؛ عده‌ای (که مرا تخریب می کنند) عرصه مدیریت های کلان کشور را در انحصار خودشان و هم حزبی ها، خانواده و عوامل خودشان می دانند و این یعنی يك گناه بزرگ و نابخشودنی.

* يك دفعه ما قاتل و آدمکش شدیم که اگر این بیاید، در پیاده روها دیوار می کشد، زن ها را می زند، دست قطع می کند و مخالف سرمایه گذاری، کار و تلاش است و اینکه می گوید همه باید گدا شوند و اینها برمی گردد به همان.

* عده‌ای احساس می کنند با آمدن من يك سلسله از بهره برداری های اختصاصی محدود می شود.

* باید اصلاحاتی در شیوه اداره کشور انجام شود.

* در ستاد دولت ۱۵ الی ۱۶ سال است گروهی خیمه زده است که کشور را مال خود و میراث خود می داند.

* بدنه مدیریتی ما هم يك بدنه پرکار و دلسوز و سالم و فداکار است

* من فکر می کنم ستاد دولت از مردم جدا شده، مشکلات مردم را خوب تشخیص نمی دهد، گرفتار يك سلسله بازی های سیاسی و بازی های قدرت شده است.

* علیرغم خدماتی بسیاری که بدنه دولت در کشور انجام می دهد متأسفانه شاهد گسترش فقر، فساد و تبعیض در کشور هستیم.

* مردمی ترین دوران شهرداری، دوران ماست. یعنی ما به همه مردم تهران؛ بدون اینکه نگاه کنیم آن ها کدام حزب هستند، چه زبان، دین، سلیقه و غیره دارند خدمت کردیم.

*بیشترین حجم فضاهای تفریحی را در تهران درست کرده‌ایم.

*کسانی که شایعه پخش می‌کنند که من در شهرداری کارمندانم را مجبور کرده‌ام چادر سر کنند و یا آقایان ریش بگذارند. فکر نمی‌کنند این چندین هزار کارمند شهرداری این را می‌فهمند، مشخص است این يك جنگ روانی است و این اصلاً توهین به ملت ایران است و فکر می‌کنم اینها ملت را نشناخته‌اند.

*اگر من در شهرداری آسانسورها را مردانه زنانه کرده‌ام، چرا امروز می‌گویید؟ آیا شما این خبر را در این دو سال نداشته‌اید؟

*شما که تمام خدمات من را معکوس جلوه دادید يك بار از خدمات شهرداری تعریف نکردید آیا در این دو سال این را نفهمیده بودید آیا این توهین به کارکنان شهرداری نیست؟

*ما فکر می‌کنیم امتیازات ویژه‌ای که در اختیار عده خاصی قرار می‌گیرد پدر ملت را درآورده و این مدیریت ضعیف‌ترین و پرخرج‌ترین نوع مدیریت است.

*يك جوان ما می‌خواهد ازدواج کند ۲ میلیون تومان نمی‌تواند بگیرد؛ اما میلیاردری خرج دکورها و چیزهای بی‌حاصل می‌شود. ما با اینها مخالفیم.

* ما حتماً می‌خواهیم مدیریت اصلاح شود.

*اینها که تخریب علیه ما را شروع کرده‌اند مردم را نشناخته‌اند. ملت را نشناخته‌اند مگر کسی می‌تواند به ملت ما چیزی تحمیل کند آن هم من که يك معلم دانشگاهی هستم.

*وضع زندگی من روشن است و هم منش من خیلی روشن است.

*بروید در فرهنگسراهای ما ببینید چه کسانی استفاده می‌کنند؟ من مرزبندی سیاسی بین مردم را هم تا حالا نپذیرفتم.

*ما يك ملت هستیم يك خانواده، در خانواده همه چیز هست اما همه يك خانواده هستند و همه عزیز هستند.

*واقعاً عملکرد این دوره شهرداری افتخارآمیز است، ولی آنها همیشه توهین و مسخره کردند.

*مشکل من این است که من اهل اینکه زیر بار باندها و گروه‌ها بروم نیستم و این را با افتخار می‌گویم فقط می‌خواهم به ملت خدمت کنم.

*دلیلی ندارد من منافع ملت را فدای گروه‌ها و باندها و احزاب کنم.

*باندی که بر اقتصاد، سیاست و مراکز تصمیم‌گیری اداری ما سیطره زده‌اند. احساس خطر کردند که راه برای نیروهای مردمی و خدمت‌آنها باز شود و بشود کشور را بهتر اداره کرد.

*نوگراترین شهرداری در طول عمر ۱۰۰ ساله شهرداری همین دوره ۲ ساله است. ما هر ماه به يك ابتکار جدید دست زدیم.

*به‌طور جدی طرفدار آزادی مطبوعات هستیم ما حتی از رسانه‌هایی که از ما انتقاد کردند تشکر کردیم و به آن‌ها هدیه دادیم برای اینکه باب انتقاد باز شود.

*در این ۲ سال من حتی به یکی از توهین‌هایی که به خودم شده جواب ندادم و گفتم اینها مهم نیست چون ما نباید وقت را برای این چیزها تلف کنیم.

*ما می‌گوییم مدیران نباید يك قشر ممتاز و منت‌گذار مردم باشند، اینها باید وسط مردم و در خدمت مردم باشند؛ این دو نوع مدیریت است آن مدیریت اصلاً فریاد مردم را نمی‌شنود.

*ما، هر چه می‌گوییم کارمند، سه بچه دانشجوی دانشگاه آزاد دارد و دارد زیر بار تورم له می‌شود اینها اصلاً متوجه نمی‌شوند.

*می‌گوییم دو میلیون جوان نصف آن‌ها تحصیل‌کرده هستند بیکار هستند، چون آقای مسئول، مشکلی ندارد همه چیز آن‌ها به راه است، از فرصت‌ها و امتیازات استفاده می‌کند درک نمی‌کند.

*ما باید عدالت را برپا کنیم، عدالت یعنی همه کشور باید با هم ساخته شود.

* من می گویم مدیر، مدیر همه ملت است یعنی به استان های دور باید همان نگاهی را کند که به خانه بغل دستی اش و باید به گونه ای عمل کند که همه حرف ها را بشنود، امکان دسترسی به آن باشد، عدالت محور باشد، علمی کار کند.

* من این سیستم مالی کشور را قبول ندارم، من می گویم این به نفع عده خاصی است و اکثریت ملت از آن بی بهره هستند؛ یعنی فاصله های طبقاتی دارد هر روز به نفع عده ای خاص بیشتر می شود.

* می گویند تو مخالف سرمایه گذاری هستی؛ من موافق سرمایه گذاری هستم می گویم سیستم مالی شما دارد اقتصاد کشور را به سمت دلالی سوق می دهد.

* من می گویم شما ۱۵ الی ۱۶ سال توسعه اقتصادی و سیاسی کردید من از شما سوال می کنم آیا **کشاورزان، کارگران، کارمندان و تجار و بازاریان ما امنیت خاطر** دارند و به يك ثبات برنامه رسیده اند؛ نه، **رشد اقتصادی در جیب يك عده خاص رفته** و در سفره های عموم ملت نیست.

* ما سطح رفاه را باید به حداکثر برسانیم و **آزادی ها را عمق و گسترش دهیم**، آزادی هایی که ما می فهمیم خیلی گسترده تر از این آزادی است.

* من می گویم آزادی روح انقلاب است و بزرگترین عطیه و هدیه الهی است بدون آزادی ما هیچ چیزی نداریم؛ آزادی دخالت در سرنوشت، دخالت در امور سیاسی، دخالت در اقتصاد، دخالت در کشاورزی.

* من نمی گویم آزادی کم است، بلکه این سطح پایینی از آزادی است.

* ما باید فرصت بدهیم و مردم واقعاً بتوانند سر مدیری که بیت المال را تلف می کند داد بزنند، چرا نباید داد بزنند؟ آیا واقعاً این آزادی هست؟ الان يك نفر در اداره ای به مدیر آن اداره بگوید که تو به چه حقی ۳۰۰ میلیون تومان خرج دکور کرده ای؟

* ما در شهرداری تا حدود زیادی چنین فضایی را فراهم کردیم. من به راحتی خودم وسط مردم هستم، یعنی مردم به من دسترسی دارند و راحت می توانند حرفشان را بزنند و دارند می زنند.

* جالب بود، يك نفر آمد آنقدر داد زد من گوش دادم تمام شد فهمیدیم مشکل آن يك جای دیگر است! گفتم شهرداری بر سایر ادارات تسلط ندارد، اما بنشین من زنگ می زنم. يك یادداشت به رئیس اداره می دهم، بلکه به کارت رسیدگی کند.

* الان درها باز است زمانی که درها باز باشد الان در سیستم شهرداری اجحاف به حداقل رسیده است، مردم حرفشان را می زنند.

* شهرداری تهران زمانی در راس سازمان های متخلف و شکایت خیز بود و الان شکایات تقریباً صفر است، چون کسی نمی تواند اجحاف کند و هر پنج شنبه می توانند من را ببینند، شهردار منطقه را هم می تواند ببیند.

* به گواهی خود سازمان های نظارت کننده، ریاست جمهوری و سازمان بازرسی الان ما در رده آخر نارضایتی مردم هستیم و معنای آن این است که می شود رابطه را با مردم اصلاح کرد.

* الان اگر من اعتراض کنم، روزنامه دولت منعکس می کند یا به من توهین می کند و فحش می دهد؟

* من به عنوان شهردار تهران در پاسخ به انتقاد رئیس جمهور يك انتقاد کردم، استاندار، فرماندار، وکیل و وزیر به توهین های عجیب و غریب دست زدند و معنای آن این است که آن آزادی که ما می خواهیم الان نیست.

* البته آزادی الان ما، خیلی آزادی ارزشمندی است و به نسبت خیلی جاهای دیگر بهترین است اما آنچه من دنبال آن هستم، بسیار بالاتر از این است.

* من جزو استاد‌های معدودی هستم که هیچ وقت تقریباً در کلاس هایم حاضر و غایب نمی‌کنم، ولی کلاس‌م همیشه پر است و اضافه هم می‌نشینند.

اگر من بحث علمی درستی ارائه دهم بچه‌ها می‌نشینند و سر کلاس‌های من برای حضور دعوا دارند.

* در فوق لیسانس بچه‌ها می‌مانند ترم سوم درس‌ها را با من می‌گیرند و خیلی راحت در کلاس بحث می‌کنند اصلاً بدون این ما نمی‌توانیم زندگی کنیم.

* موقعی ما پیشرفت می‌کنیم که تک تک ملت را یک سرمایه به حساب بیاوریم، دانه دانه مردم برای ما سرمایه هستند، تک تک این جوانان در خیابان سرمایه ملت هستند، اگر با این نگاه، مدیری دید آن زمان تمام مناسبات کاری، تصمیم‌گیری‌ها و اولویت‌های آن عوض می‌شود.

* حرف ما این است که می‌خواهیم جلوی رانت‌ها را بگیریم.

* برای فرهنگ و هنر بیشترین کار را کردیم. ما ۲۳ سالن داریم و دائماً در این‌ها فیلم سینمایی پخش می‌شود. قیمت را ارزان کردیم که بیشترین حمایت از عرصه فیلم است. تقریباً تمام رشته‌های هنری را به طور گسترده داریم آموزش می‌دهیم. تابستان سال گذشته ۲۵ هزار برنامه فرهنگی، هنری و ورزشی برای جوانان ارائه کردیم.

* ما می‌گوییم در عرصه فرهنگ اولاً باید پایگاه‌های پایدار فرهنگی مثل مدرسه و دانشگاه را حمایت کنیم، محیط مدرسه و دانشگاه باید بسیار پرنشاط و امیدآفرین باشد.

* آقایانی که می‌گویند احمدی‌نژاد تندرو است را من می‌شناسم. سال ۶۴ تا ۷۲ وزارت کشور دست این آقایان بود. ما با اینها دعوا داشتیم **موتور سوار** در خیابان‌ها می‌فرستادند و با کاتر به مو، کفش و لباس بچه‌های مردم می‌زدند و ما با آن‌ها دعوا داشتیم و با این کارها مخالفت می‌کردیم.

* همین آقایان مینی‌بوس سر خیابان‌های تهران می‌گذاشتند و سرباز می‌گذاشتند که آرایش‌های خانم‌های مردم را کنترل کنند و هر کدام غلیظ بود سوار مینی‌بوس کنند و ما معترض بودیم که اینها خلاف شرع است؛ حق ندارید با مردم اینگونه برخورد کنید، اینها مردم ما هستند.

* اینکه احمدی‌نژاد چنین خفقانی را به کشور تحمیل کند توهین به ملت ایران است.

* بنده یک استاد دانشگاه و با سابقه ۱۶ ساله در دانشگاه هستم و رفتار من در دانشگاه معلوم است.

* در طول ۲ سال بیش از ۲۰۰ بوستان و بیش از ۱۶۰ مجتمع ورزشی، فرهنگی و هنری درست کردم و هزاران برنامه فرهنگی در تهران پیاده کرده‌ام.

* شما یکسری تهمت‌هایی می‌زنید بعد به کسی که متهم است می‌گویید دفاع کن و هیچ سندی هم ندارید. متأسفانه دستگاه دولتی ما آزمایش بسیار بدی پس داد. رئیس‌جمهور ما آزمایش بسیار بدی پس داد. الان متأسفانه وزارت کشور و اطلاعات همه حزبی هستند و امنیتی برای من نیست.

* الان بنده را از حقم محروم می‌کنند فقط به خاطر اینکه وارد محدوده ممنوعه یک عده‌ای شده‌ام، انواع تهمت‌ها و چیزهایی که بعضی اوقات خنده‌آمیز می‌گیرد.

* در روزهای اخیر تحرکاتی در خیابان‌ها رخ می‌دهد. مثلاً با چفیه می‌آیند و به مردم حمله می‌کنند. ما به وزارت کشور و نیروی انتظامی شکایت کردیم. من می‌دانم اینها از کجا سازماندهی می‌شوند و آن‌ها مخالف ما هستند.

* من یک نفر مستقل هیچ حزبی و گروهی و هیچ دسته‌ای از من حمایت نکرد و من خودم را به این ملت معرفی کردم و ملت هم استقبال کرد. آیا این‌گونه باید مورد هجوم باندهای قدرت و ثروت قرار بگیرم و شما هم تماشا کنید.